

## انکار

هر روز یکشنبه و چهارشنبه به پشتو و فارسی  
نشر میشودصاحب امتیاز و مدیر مسئول فیض محمد (انگاری)  
ادرس دفتر جریده • جاده میوند اپ ارتمان نمبر ۳ کابل  
نمبر تلیفون ۱۲۱۹ ادرس تلگرافی (انگاری)

شماره ۹ - حوت ۱۳۲۹

یکشنبه ۱۱ حمل ۱۳۳۰

سال اول

شماره دهم

غ صافی

## بیگار بست یا تیکه

بتاریخ ۲۸ دلو نویسنده برای واریس بوظائف خویش به تورخم رفته در اثنای مرور از جاشی عده زیادی از مردم روی سرک کار میکردند قلباً "سرور شدم و گفتم ستایش مر خدا را که اکنون بیگار نیست و به مردم اجرت و کار پیداشده و باصطلاح هم ثواب است هم خرما سرک آباد میشود و برای یکمده مردم اینجا مزدوری و کار پیداشد پس از فراغ وظیفه موقیمیکه باز بان جماعت کارگر برخورد کردم چند نفری از آنها کار را گذاشته نزد من نزدیک آمده و متأسفانه بگمان و خیال اینکه هر که دریشی پوشید و کلاه کج نهاد صاحب قدرت و دادرسی و عاطفه خواهد بود بحال خجالت زده و مظلومیکه خوی و عادت شان گردیده یکی از زمین شان بمن گفت که تمداد نفری مادر اینجا خیلی زیاد و برای رهایی شب جز چند خیمه فرسوده و چند اطاق محدودی دروازه دیگر مواشی نیست هوا نهایت خنک و لباس کافی هم نداریم اشاره بسموچها و مفارقه هاشیکه نزدیک بود کرده گفت یک عده نفر مادرانجا شب تیر میکنند و بنا بر صدمه هوا اندیوال های مانتا بیمار گردیده بعد از زمانیکه فرضاً "داکتری می آید دوانه میباید اگر خدا کند که چاره مابشود • من بایسن بیانات ارتکان خوردم و حالت نخستین بشکره در مفارقه ها و سموچها بسر میبرند بخاطر آمده و پنداشتم که مادرین قرن ۲۰ و عصر اتوم هنوز بحال انسان ابتدائی و اولی زنده مید مائیم بهر حال تاثیریکه از لباس و چهره و گونه های زرد بی خون و حیات فلاکت بار و حیات شباروزی آنها بمن پیشتر شد میتوانم بقلم ترسیم کنم • من از بعضی نفری شنیدم انجا پرسیدم که این مردم اجوره کار و رضا کار بینتنند؟ گفتند نه اینها هجده روز میشود که برسم وندی آمده • دو اوزه صد نفر از شتوار و دوتیم صد نفر از مومند دره اند روزانه ده افغانی قومی برای شان وعده کرده و اجرت

بقیه در صفحه (۲)

مؤثرترین علاج

مطبیره کسی  
درد مندی که کند درد نهان بیشتر طبیعت  
درد او بی سببی قایل درمان نشود  
ازینکه مادر بین یکدسته لایتنهای محتاجی گرفتاریم همه میدانند ولی چیزیکه اظهار ان ناگزیر است همانا تصنیف این حوائج یا تمنیات است که اگر تمام مال یکدم وبدون تفریق مهم واهم درجن و قطار شود بگمان من بیشتر باعث درد و خسته گی ها میشود و اگر نیک نگریمته شود همین درجنهای تمنیات است که تصمیم واراده ما را منزلت ساختن و فرصت نمی دهد تا یک تصمیم قطعی که مؤثر و بشیر باشد اتخاذ کنیم اگرچه خواهشات متعدد است اما ایا بهتر نیست که تمام نویسنده گان و ارباب دانش دور هم نشسته با توحید نظر نواقص عمومی را تحت تحلیل و تصنیف گرفته در هر رشته بصورت مسلسل و متواتر نشریات و نظریات خود را ادامه بدهند و حتی المقدور نگذارند همینکه نظریه مفیدی روی صفحه برآمد مثل گذشته بدوسیه های فراموشی حفظ شود و بی اثر بماند • اگر تفریقی بین خواهشات مهم واهم موجود باشد و کارها عموماً بر اساس یک پروگرام در مساحه عمل قرار گیرد اصلاً اینقدر نواقص و محل اعتراض باقی نمی ماند خود پروگرام و احتیاج تشخیص داده شده در نوبت خود بدون این که روی لحاظ و نفوذ کسی را دیده باشد کاهل را از کارکن تفریق کرده و بیجامه مصرفی میکند طبعماً این ارزوها وقتی بر آورده میشود که موافق اقتضای ملل دیموکراتی احزاب تشکیل و در پارلمان برای غور و مبارزه بر اجراء و طرح پروگرامها عرض اندام کند این که رول احزاب در تنویر سرنوشت ملل چه اثراتی دارد البته بهر یک از مطالبین این نامه ملی واضح بوده و اگر تفصیلاتی در ان باره داده میشود محصول حاصل است •  
بنظر بنده در حال حاضر مهم ترین کاریکه باید دنبال شود بقیه در صفحه (۳)

ماجه میخواهیم ببرك غبٹلی

احمد علی کہزاد

ما میخواهیم کہ نویسنده گان ما از افسانہ گوئی اسلاف دست گرفته در اصلاح اوضاع فعلی باشند ما میخواهیم کہ حصہ بزرگ بودجہ دولتی ما بطور صحیح بتربیہ معلمین لائق و اخلاقی — و وسائل تدریسی و اداری و صحتی اطفال مصرف شود چہ ما از ہمہ اولتر عملی صحتی احتیاج شدید داریم ما میخواهیم کہ تیز رفتارهایک ظلم ممنوع عوض ان فابریکات حربی و فابریکات صنعتی و زراعتی وارد گردد تا برای ما نان خشک و کفن تهیه کردہ بتواند د تجارت ما نیز برای اصلاح صنعت و زراعت مملکت عزیز خویش ہمدست شدہ زیادہ تر چیزهای را کہ فعلا "از خارج وارد میکنند در داخل تهیه کنند" ما میخواهیم کہ ہر کارہ اہل کار سپردہ شود ولو جزوی ہم باشد زیرا شخصیکہ در کار مہارت نداشته باشد (مثل ہوتل کابل کہ درین مدت کم چندین دفعہ ابا و بیران شد) عوض فائدہ نقص میرساند ما کہ بکار احتیاج شدید داریم و ہم عدہ بزرگ جوانان ما بیکار است باید ادارہ کار و کارگر در فکر این ہا باشند تا از یکطرف وضع عربی اقتصاد مملکت بلند رود و از جانب دیگر بیکارهای ما از بیکاری و دزدی و غیرہ جلوگیری شود

ما میخواهیم اگر کدام پستان بزرگ زراعتی و یا اقتصادی و صنعتی عملی میشود علاوه از انکہ مجلس شورای ملی و مجلس اعیان و مجلس عالی وزراء تصویب میکند نظریات اہل کار و نویسندہ گان نیز توسط جرائد خواستہ شود

ما میخواهیم کہ داکتر صاحب بکدام شخصیکہ جہت تفریح و یا تجارت غیر مشروع بہ بہانہ مرضی بخارج میرود نظریہ تبدیل ہوا بخارج و غیرہ برایش زہ نویسد زیرا کہ بانک باثر همچو نظریات دالر میدہد

ما میخواهیم کہ ملا صاحب در وقت خط آہہ علاوه از مزایای صدقہ سر سایہ و شکرانہ و خیرات و ذکوۃ مزایای علم و معارف مزایای برادری اخلاقی و غیرہ و غیرہ ہم بیان فرمائید

بقیہ بیکار است چند روزہ را برای شان دادہ شدہ اینوقت از طرف فوائد عامہ بجز ارد خشک دیگر چیزی دادہ شدہ چنانچہ روزی مورتی حامل ارد شان در راہ خراب شدہ و بوقت نرسیدہ بود ان

احترام قوانین

روزی شنیدم یکی از ہموطنان گرامی ما میگفت ہر وقت این مملکتہ دارای قوانین شد کارہا ہمہ سر براہ خواهد شد این نظریہ بجای خود طبیعا "منقول است ولی تنها بسا داشتن قوانین ہر قدر متدووع و مفصل ہم باشد در دہای اجتماعی ما دوانہمیش بود تا روح احترام قوانین در ہمہ و ہمہ جا تولید نشود هیچ کس انکار ندارد کہ با ہمین الان ہم دارای بعضی قوانین هستیم شکایت از عدم قوانین چند ان در بین نیست ولی هیچ کس نیست کہ از عدم تطبیق صحیح قوانین نگرانی نداشته باشد تطبیق قوانین و احترام قوانین دو اصل اساسی انفاذ مواد قانونی است کہ ہر وقت در جامعہ شی عملا " نشان ان دیدہ شد سعادت افراد ان جامعہ تاہمین خواهد گردید تطبیق قوانین بستہ بہ جریان قوانین و احترام قوانین وظیفہ ہمہ افراد مملکت است و ہر وقت در تطبیق قوانین بی وقتی شود روح احترام قوانین ہم متزلزل خواهد گردید اعتراف باید کرد کہ در ما ہمہ یکنوع طبع تمدن از قانون موجود است و این طبع تنہا در ما بلکہ فطرتا " در ہمہ نوع بشر موجود است و از او منشی فطری بیشتر ما را سرکش بار آوردہ است تا جائیکہ خود سری حتی لیجام گسیختگی را ہم یکنوع آزادی تلقی کردہ ایم حال انکہ یعنی واقعی آزادی آزادی قانونی است کہ در غیر ان نظام اجتماعی دچار ہرج و مرج خواہد شد

شب را بیچارہ ہا گرسنہ خوابیدہ و فردا ارد رسید و روزانہ یک قسمت نفرشان تقریبا " یکی دو میل از اینجہ دورتر کار میکنند و اب برای شان ذریعہ ہوتر فوائد عامہ میرسانند بسا شدہ کہ یا ہوتر خراب یا دیور مریض یا تبیل نداشتہ و بکار گران اب نرسیدہ انہا ناچار از ان فاصلہ دور برای اب اینجہ آمدہ تا واپس بکار ہر میگردد باز تشنہ میشوند این بود حقیقت حال ان کار گران کہ شخصا " مشاہدہ و شکوہ و نالہ شان را شنیدہ ام ولی حالا شنیدہ میشود کہ میگویند کارسک مذکور بہ تیکہ دادہ شدہ و تیکہ دار ہا بہ تعہدات حاضر شدہ اند انکد ون تفاوت را بہ قارئین نامہ ملی انگار موکول میکنیم کہ بیگار است یا تیکہ ؟





امدگپ و الله اعلم بالصواب (چکوره)

چون درین هفته نامه انگار پل بدوماهگی میگردد برای  
تطمین ذوق خواننده گان گرامی لازم دیده شد تا بعد از  
این به استقبال همراهگره این جریده جسته جسته بعضی  
خبرها را از خلال وقایع روز باستحضارشان برسانیم .  
اینک به اجازت پیرواستاد شروع میکنیم .

اخبار ورزشی . تیم فت بال ما بعد از آنکه در مقابل  
هندوستان باختگی محسوب شد در قمتن یک مقاله بصورت  
ضمنی وبدون قید تاءسف خبر انرا رسانیدم . متعاقبا  
به گیرجایانیمها افتاد ودوگول دیگر خوردوازانجاکه سیستم  
ضرب

اختراعی ( سر وگرم ) ریاست المپیک مضایر قوانین  
بین المللی ثابت شد اوران مسابقه تشکیل جلسه دادند  
و موضوع را تحت مناقشه گرفتند . ولی خدای را شکرکه مسئله  
حامل بر بیماریه گی امور ورزشی باشد وبه خیریت گذشت .  
دسته نیکه بنام خیزیک لنگه وجفتک پاران وگلوله افگنی  
و . . . و . . . رفته بردند نیزکاری از پیش نبردند .

نتیجه اینک برای یک بار هم پرچم ما نمایان نشد  
وماشر ملی ما ننواختند وحتی یک نشان لغت شی راهم  
کسی حائز نشد . وبالاخره کاروان محترم خپ وچپ باز  
گشت نمودند وقامین ورجب خان رفتیم که به استقبال شان  
دستمالک بزنیم همه روزیر صندلیهاجا بجا شده بودند .  
حافل غیرمطلع اسباب این شکست های ناحق را چند چیز

چوت انداز میکنند . اول بیخوابیهای ممتد دو ماهه که  
ممکن از باعث تضراب وهوا پورنشکاران عاید شده بود و  
مجبورا اتمای شبها را بیدار سحر مینمودند . دوم سیستم  
بازی اورپ اشی یعنی سیستم ما که از غرب اقتباس شده بود  
به احوال ممالک آسیائی جور نمی آمد . سوم ظهور خستگی

ومسئله میوه پولی وجیب خرج را مزید بر علت قیاس میکنند  
ونیز راجع به پروگرام (درپ برامون اتش) که از روی ریکارد  
یک چیز شبیه به اهنگ ( ائید وگرد هم شوید . . . . . )  
تألی طفلگان بی گناه ( . . ) شنیده میشود محافل  
متذکره جامه شعرا را مورد ملامت قرار میدهند که  
هر قدر خود را با حق میکنند نشیده شان نمی آید و میگردد

از جوانان مادر م بحبوحه غرور جوانی چنین آوازه  
مقصومانه بکشند .

اخبار سرچوک . میگویند گریه رجب خان میرفت که از گرسنگی

میمیرد ناچاردم اورا قیچی کرد وبه نزدش انداخت وگفت  
پرواندارد چندی بعد دوباره سوز میکند چون آوازه  
است که معاشات اضافه میشود ما مورین مستمند و بیچاره  
اوضاع حساب کزیدت رابه امید فردا بنا نموده اند وبه  
گرفتن قرضی و پیشکی پرداخته اند که تا ختم سال به  
اقساط مصینه اواتسها را تادیه وتوازن را برقرار نمایند .

چند خبر دیگر . درین ماه یک معلم از فرط استیحال  
میخواست خود را انتحار کند ولی از بدشانسی در حین  
کار پایش را لخشید و مردم رسیده به دلا سا پرداختند  
ولی او گریه میکرد و میگفت . . . . . خما بادام دیر خونری

راتیک

خنکچه چه موخبر اخیستی دی ساغلی صدیق اله رستین  
. . . . . مور وین ملگری چه دهلی ته دال اندیا پستون  
جرگی دگدون دپاره تللی وو دحمل په ۹ برد رویجو د  
هرات له لاری کابل ته راغلی دی .

توضیح

در شماره ۶ نهم جریده ملی انگار مقاله نیکه راجع به  
توزیع اراضی صفحات شمال نشر گردیده بود نویسنده ان  
شاغلی محمد حسن ( ملک اضفیری ) بوده است .  
از اینکه نام نویسنده در ال مذکور سهوا " نشر  
نگریده بود معذرت میخواهیم .

شرحی اشتراک

کابل : سالانه ۳۶ - افغانی  
ولایات . " ۴۰ - "  
خارج . " ۴ - دالر

قیمت یک شماره پنجاه پول

=====

=====

=====